

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مست: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۲۹۴۱/۲۳
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۹
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «حلقه ثانیه - آقای ایروانی»
مورد:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۳۱۲-۲۳۸)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶

- الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال
- ب. شک در مکلف به و مجرای براءت
- ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال
- د. شک در تکلیف و مجرای براءت

۰/۵

۲- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۵

- الف. رکن اول
- ب. رکن دوم
- ج. رکن سوم
- د. رکن چهارم

۰/۵

۳- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷

- الف. قاعده مقتضی و مانع
- ب. اصل استصحاب
- ج. قاعده یقین
- د. اصل اشتغال

۰/۵

۴- نام حالتی که شخص اجمالاً می داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی داند کدام مقدم است، چیست؟ ص ۲۹۷

- الف. الشک فی التقدم و التأخر
- ب. الشک بین المحذورین
- ج. مجهولی التاريخ
- د. توارد الحالتین

۰/۵

۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۹

- الف. هر دو جاری می شوند و تعارض می کنند.
- ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی
- ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری
- د. مسببی بر سببی حاکم است.

۰/۵

۶- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۲

- الف. ورود
- ب. حکومت
- ج. تخصّص
- د. تخصیص

۰/۵

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا...» (انعام: ۱۴۵) بر

برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲۴۳-۲۴۲ نمره

۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محابّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است. اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریح نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی تواند پس از فحوص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرائة الشرعية هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البدوي دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكليف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (ره) از اشكال را بنويسيد. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشكال اولی که به ادله براءت وارد کرده‌اند این است که این ادله براءت در جایی جاری می‌شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می‌کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن‌ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای براءت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن‌ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی‌ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می‌شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن‌ها برایش باقی نمی‌ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای براءت شرعی.

۹- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده، دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۶۴ و ۲۶۷ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم: اجرای براءت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف براءت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی‌شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای براءت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می‌شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلاً) پس وقتی اجرای براءت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود، می‌توان آن را اجرا نمود و با اجرای براءت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می‌شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست].

۱۰- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده‌اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمایید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول براءت جاری می‌شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می‌گردد و براءت جاری می‌شود ولی در صورت دوم براءت جاری نمی‌شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی‌گردد تا براءت جاری شود.

۱۱- اعتراض آیه الله خویی (ره) را در عبارت «اعتراض السيد الاستاذ بأنه يلزم فی التعريف ان يكون تاماً علی كل الاتجاهات و الحال ان التعريف الاستصحاب بالحكم ببقاء ما كان ليس كذلك و يناسب افتراض كون الاستصحاب اصلاً اذ علی الاماریة يلزم تعريفه بالیقین بالحدوث» بر تعریف استصحاب تبیین کرده، دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

جواب: آیه الله خویی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می‌کنند که ملائم با تمام میانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می‌دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می‌دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق. نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می‌توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۲- برخی اشکال کرده‌اند که صحیحه زرارة: «قلت له: الرجل ينام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یستیقن أنه قد نام ... و لا ینقض الیقین ابدأ بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آن‌ها را به همراه یک نقد بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آتی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است. بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می‌شود به معنای طهارت نیز استعمال می‌شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لا تنقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می‌کند]

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة منتجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را منتجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۴- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تزییق می‌کند گاهی آن‌ها را توسعه می‌دهد. (نمره ۱/۵) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیة مثل وجوب صوم و... (۵/۰ نمره)

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۰۷ و ۳۰۸ - ۱ نمره

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.